

از مطالعه این نشریه در زمان تفیلا وفواندن توراہ فودداری فرمایید.

אברהם לאהוד

יישלה

جهت مفا قدوسیت این نشریه از دور انداختن آن فودداری فرمایید.

19 کیسلو 5781

5 ف ت اری روش 5

بلکه یعقوب آوینو می آموزاند حتی در مواقع سخت چگونه باید رفتار کرد و با اینکه دوران زندگی با لاوان یکی از سخت ترین دوران زندگی یعقوب آوینو بود ، با این حال یعقوب آوینو تمام تلاش خود را نمود که میصواهای توراہ را زیر پا نگذارد و تحت تأثیر منفی رفتار لاوان قرار نگیرد. زیرا انسان یک موجود اجتماعی است و طبیعت وی این است که به طرف رفتار اطرافیان خود کشیده می شود. یعقوب آوینو فامیل نزدیک لاوان و لاوان پدر همسران او بود و در تمام وقت و تمام مراسمها و شادیهای خانوادگی ، لازم بود یعقوب آوینو همراه لاوان باشد و در کنار او بنشیند. نیز یعقوب آوینو پیش لاوان کار می کرد و لازم بود هر روز ، به لاوان حساب و کتاب پس دهد. لاوان نیز شخصی ظالم ، فریبکار و طماع بود و نه تنها یعقوب آوینو تحت تأثیر رفتار او قرار نگرفته بود ، بلکه تمام میصواهای توراہ را نیز نگه داشته بود.

گاهی به دوران سخت زندگی می رسیم یا به جمعی می روییم که انجام میصواهای توراہ راحت و آسان نیست. در این مواقع ، این فکر به نظر شخص می رسد می توان میصواهای توراہ را انجام نداد یا در انجام آنها ، دقت لازم را به خرج نداد.

برای مثال ، اگر فرد همواره سعی می کند تفیلائی خود را با متانت بخواند و پیش می آید به کنیسانی می رود که در آن ، شالیخ صیبور و یا تمام جماعت ، تفیلا را با سرعت و عجله می خوانند. این شخص نیز تحت تأثیر قرار گرفته و قسمتی از

در این پاراشا می خوانیم یعقوب آوینو در حالی که از خاران برمی گردد به سرزمین کنعان و به نزد برادر خود عساو ، فرستاده هایی را می فرستد که به عساو بگویند: "تا الان پیش لاوان زندگی کردم."

راشی در تفسیر این مورد می نویسد: "در این مدت هیچ مقام مهمی کسب نکردم. پس برکت پدر که گفت عالی مقام خواهی شد ، به واقعیت تبدیل نشد و تو نباید برای این براخا من را دشمن بداری."

راشی در ادامه تفسیر خود می نویسد:

یعقوب آوینو به عساو فرمود:

"با اینکه با لاوان ظالم زندگی کردم ، تمام توراہ را نگه داشتم و تحت تأثیر رفتار بد او قرار نگرفتم."

باید فهمید چرا پس از اینکه یعقوب آوینو به عساو فرمود براخاهای پدر به واقعیت تبدیل نشدند ، او اضافه نمود تحت تأثیر بد رفتار لاوان قرار نگرفته است.

کلاً تمام دشمنی عساو به جهت براخاهایی بود که یعقوب آوینو از بیصحاق آوینو گرفته بود و حال این براخاها تأثیری نداشتند ، پس دیگر لازم نبود عساو ، یعقوب آوینو را دشمن بدارد. پس چرا یعقوب آوینو برای عساو تعریف نمود رفتار ناپسند لاوان بر او تأثیری نداشت؟ اصلاً شنیدن این مورد برای عساو چه جذاییتی داشت؟

1 اگر در کیفیت و کمیت مطالب این نشریه (رای ، پیشنهاد و یا سوالی در امور هلافا و زندگی روزمره دارید از اتمام لطف

و موم شده بود و این نشان می‌داد دست یونانیها به این روغن نرسیده و این روغن طاهر باقی مانده است. خشموناییها می‌دانستند برای پیروزی بر یونانیان و بر آن عده که به سمت آنها کشیده شده‌اند، باید از خود گذشتگی نمایند و از هیچ یک از جزئیات میصوا صرفنظر نکنند تا به همه نشان دهند نباید تحت تأثیر رفتار ناپسند یونانیان قرار گرفت. در هر راهی که شخص بخواهد قدم بردارد، از جانب الهی نیز به او کمک می‌کنند که در همان راه قدم بردارد. پس از جانب الهی به خشموناییها کمک شد که این ظرف روغن را پیدا نمایند و با اینکه این روغن فقط برای یک روز کافی بود، معجزه شد و تا هشت روز باقی ماند تا آنها بتوانند روغن تازه و طاهر بگیرند.

باید این رفتار سرمشق خود قرار داده و به جای اینکه به دنبال راهی باشیم که در میصواها کوتاهی کنیم، به فکر آن بود که چه در ایام عادی زندگی و چه در مواقع سختی و دشواری چگونه بهتر و بیشتر میصواهای توراها را انجام دهیم. در این صورت، کمک خد-اوندی نیز همراه ما خواهد بود. امن!

تفیلا را حذف و بقیه تفیلا را تند و بدون نیت می‌خواند و اگر یک هفته یا یک ماه، مرتب با این جماعت تفیلا بخواند، دیگر به مانند روز اول احساس نمی‌کند تفیلا او ناقص و بدون نیت است. و شاید این شخص نیز از این پس، تفیلا را با عجله و بدون نیت بخواند.

ولی یعقوب آوینو در تمام این سالها، به گونه‌ای رفتار نمود که انگار در این مکان غریبه است و هیچ ربطی بین او و مردم آن مکان و رفتار و اعمالشان وجود ندارد. به این صورت یعقوب آوینو توانست از رفتار بد آن مکان دوری نماید و به مانند قبل، تمام میصواهای توراها را با دقت لازم نگه دارد.

با این مقدمه می‌توانیم رفتار خشموناییها را بفهمیم که به دنبال روغن طاهر بودند و با وجودی که بر طبق هلاخا، وقتی تمام جماعت ناپاک باشند، می‌توان شمعدان بیت‌همیقداش را با روغن ناپاک روشن کرد و وقتی هیچ روغن طاهری در دسترس نیست، باید با وضعیت موجود کنار آمد و با روغن ناپاک، شمعدان را روشن کرد. با این حال و با وجود این هلاخا، خشموناییها جستجوی بسیاری کردند تا در آخر یک ظرف روغن پیدا کردند که با امضای شخص کهن گادول مهر

راه درست

درست را پیدا نمایند ولی بی فایده بود. صبح که هوا روشن شد، یکی از افراد راه درست را پیدا کرد و دوستان خود را صدا زد که به او ملحق گردند و از این طریق، از جنگل بیرون بروند. دیگر افراد نیز با سرعت به او ملحق گشته و متوجه شدند واقعاً این فرد راه خروج از جنگل را پیدا کرده، پس با سرعت در آن راه قدم برداشتند.

حال این فرشته خد-اوند نماینده عساو بود و شب، اشاره بر دوران گالوت دارد که در این دوران، افراد و شخصیت‌های بسیاری هستند که می‌خواهند به قوم یسرائل ضربه بزنند و آنها را نابود نمایند و حداقل می‌خواهند در حد توان خویش به قوم یسرائل آسیب برسانند. این مورد تا سپیده‌دم که اشاره بر نجات و ظهور ماشیخ دارد، ادامه خواهد داشت و وقتی نجات یافته و

در پاراشا می‌خوانیم یعقوب و فرشته خد-اوند با هم مبارزه نموده و در آخر، فرشته خد-اوند به یعقوب آوینو می‌گوید: "من را رها کن زیرا سپیده‌دم فرا رسیده است."

هنخافص خیم روحش شاد در این باره در کتاب شم عولام می‌نویسد: "این مورد تعجب‌آور است، زیرا در ابتدا، این فرشته خد-اوند می‌خواست یعقوب آوینو را بکشد و حداقل به او ضربه بزند و وقتی نتوانست بر یعقوب آوینو پیروز گردد، به پای او ضربه زد. پس چه اتفاقی افتاد که در انتها تسلیم شد و تمنا نمود یعقوب آوینو، وی را رها نماید؟"

هنخافص خیم در این باره مثال آورده و می‌فرماید: "عده‌ای در ایام زمستان، در جنگل در حال گردش بودند که ناگهان متوجه شدند که راه را گم کرده‌اند. در تمام طول شب، سعی کردند راه

در این زمان تاریکی گالوت ، باید خود را با توره و نور آن قوی نموده و با تمام سختیها ، در راه درست قدم برداریم.

احترام خد-اوند تمام دنیا را پر نماید ، همه واقعیت را درک خواهند کرد و به خد-اوند احترام خواهند گذاشت.

نامهٔ خد-اوند

ببیند و به خود افتخار نماید که پادشاه ژاپن برای او نامه نوشته و نیز همه ببینند که او اینقدر مهم است که از قیصر ژاپن ، نامه دریافت کرده است.

حال ما توره را از دستان پادشاه عالم ، پادشاه پادشاهان ، خد-اوند خالق جهان دریافت کرده ایم ، این نامه گرانبهارترین نامه روی زمین است!

حال با این نامه چکار می‌کنیم؟ بیشتر افراد توره را می‌بوسند و آن را در کمد می‌گذارند و فکر می‌کنند با این بوسیدن ، انجام وظیفه کرده‌اند! چرا سعی نمی‌کنیم این توره را که همان نامهٔ خد-اوند است بفهمیم؟ و اگر نمی‌فهمیم چرا از مفسران توره کمک نمی‌گیریم؟

حتی اگر فرد ، توره را فقط با تفسیر راشی بیاموزد ، در خد-اترسی و عبادت خد-اوند پیشرفت بسیاری می‌کند. به ویژه در این دوره ، افراد بسیاری هستند و نیز راههای بسیاری وجود دارند که فرد می‌تواند توره را با تفسیر راشی و دیگر تفسیرات توره بیاموزد. پس باید فرصت را غنیمت شمرده و شروع به فهم این نامهٔ عزیز و گرانبها نمود.

وقتی مشه ربنو به آسمان رفت تا توره را بیاورد ، فرشتگان با مشه ربنو بحث کردند و می‌خواستند توره در آسمان بماند و به همین جهت فرشتگان به خد-اوند گفتند:

”مگر بنی‌آدم چه ارزشی دارد که می‌خواهی توره را به دست او بدهی؟“

مشه ربنو زحمت بسیاری کشید تا توره را به دست آورد و آن را از آسمان به زمین به ارمغان آورد. پس چطور می‌توان فقط با بوسیدن این کتاب فکر کرد که انجام وظیفه نموده‌ایم؟

در زوهر هقادوش ، ربی شیمعون بر یوخای چندین بار می‌فرماید که توره فقط کتاب داستان و حکایت نیست و شخصی را که فکر می‌کند این کتاب ، فقط کتاب داستان است ، نفرین می‌کند. این کتاب ، کتاب ا-لهی است که راه زندگی را به انسان نشان می‌دهد. این کتاب از جانب خد-اوند

دانشمندان توره کتاب برشیت را به عنوان کتاب ایمان ذکر می‌کنند و می‌فرمایند این کتاب نوشته شده تا ایمان ما را به خد-اوند قوی نماید و راه درست زندگی را به ما نشان دهد.

وقتی سخنان دانشمندان توره را در گمارا و میدراش می‌آموزیم ، متوجه می‌شویم از یک اشاره کوچک ، یک حرف ، برابر عددی یک حرف و امثال اینها ، هلاخاهای بسیاری را آموخته‌اند. در کل کتاب برشیت ، دو یا سه میصوا ذکر شده ، میصوای زاد و ولد ، میصوای میلا و بر طبق برخی از نظریات ، میصوای نخوردن رگ پای حیوانات نیز عنوان گشته است. در این صورت ، اگر در این کتاب به سختی سه میصوا بیان شده ، چرا این پنجاه فصل کتاب برشیت با این همه جزییات نوشته شده است؟

این کتاب نگاشته شده تا ایمان به خد-اوند را بیاموزاند. باید دانست با خواندن سطحی پاراشاهای کتاب برشیت ، نمی‌توان موردی آموخت و درک نمود. باید فهمید این کتاب بسیار عمیق است که باید در آن تأمل بسیاری کرده تا مطالب آن را آموخت.

ربنو بخیی در کتاب خووت هلواووت در این باره مثال می‌آورد و می‌نویسد:

اگر شخصی از یک قیصر ، به عنوان مثال قیصر ژاپن ، یک نامه دریافت نماید ، حتماً بسیار خوشحال می‌شود. ولی این نامه به زبان ژاپنی نوشته شده و این شخص ، ژاپنی نمی‌فهمد. این شخص با خود نمی‌گوید خوب من ژاپنی نمی‌فهمم ، پس نامه را در گوشه‌ای می‌گذارم. خیر! این شخص به دنبال شخصی می‌گردد که نامه را برایش ترجمه نماید و حتی حاضر است پول بسیاری برای ترجمهٔ نامه بپردازد تا ببیند قیصر ژاپن برای او چه نوشته ، چون برای وی مهم است که قیصر ژاپن چه چیزی را از او می‌خواهد. اگر هم پس از ترجمه ، فهم کلمات برای او سخت باشد ، در هر کلمه و هر جمله تأمل بسیاری نموده تا آن را بفهمد. پس از فهم نامه نیز ، آن را قاب گرفته و در سالن آویزان می‌کند تا هر روز

عبری و یک بار ترجمه آرامی آن جمله). حال پس از خواندن پاراشا، اگر از آنها بپرسیم پاراشای هفته در چه مورد صحبت می‌کند، بیشتر افراد در جواب خواهند گفت: "نمی‌دانم، موقع خواندن پاراشا حواسم جای دیگری بود." چطور چنین چیزی ممکن است که شخص حتی هنگام خواندن پاراشا، تلاش نمی‌کند، تمرکز داشته و بفهمد در تورا چه نوشته شده است؟!

ربی مشه خیم لوتصاتو روحش شاد، در ابتدای کتاب خویش به نام "راه درخت زندگی" می‌نویسد تورا به مانند ذغال روشن می‌ماند که باید در آن دمید تا آتش درون آن شعله‌ور شود. ولی اگر شخص در فهم تورا تلاش نمی‌کند و زحمت نمی‌کشد، پس به مانند ذغالی که در آن نمی‌دمند، سرد و خاموش می‌شود.

باید در تمام تورا و مخصوصاً کتاب برشیت دقت و تأمل نموده تا آن را بفهمیم و ایمان خود را به خد-اوند قوی نماییم. درباره شاگرد هخافص خیم، ربی الخانان واسرمن تعریف شده هر روز، ساعتی را برای آموختن کتاب برشیت تعیین می‌کرد و وقتی این کتاب را تمام می‌کرد، دوباره از اول شروع می‌نمود. پس صد البته نباید بگوییم:

"خوب من تمام داستانهای تورا را بلد هستم و لازم نیست در این راه انرژی مصرف کنم."

بلکه باید در فهم تورا تلاش و کوشش بسیاری کرد.

برگرفته از: مکید دواراو لیقوب

به دست ما رسیده و باید سعی و تلاش نمود تا این نامه را فهمید و بر طبق این کتاب تربیت شده و زندگی کرد. هخافص خیم روحش شاد در این باره مثال می‌آورد و می‌نویسد: تصور کنیم شخصی خبر می‌دهد: در یکی از حفاریهای زیرزمینی کتابی پیدا کردیم که روی آن نوشته: "کتاب فرشته گبرئیل" و داخل خود کتاب هم نوشته شده است: "نویسنده: فرشته گبرئیل"

حتماً علاقه زیادی داشتیم تا این کتاب را دیده و بخوانیم که فرشته آسمانی چه چیزی را در کتاب خود نوشته است. حتی اگر هم می‌گفتند باید به شهر دیگری رفت، تمام زحمت را را به جان خریده، به شهر دیگری رفته تا "کتاب فرشته گبرئیل" را ببینیم. حال اگر پس از رسیدن هم می‌گفتند: "برای دیدن کتاب باید بلیط خرید."

همه می‌گفتند: "باشد، بلیط هم می‌خریم، مگر دیدن کتاب فرشته گبرئیل کم چیزی است؟!"

هخافص خیم در ادامه می‌نویسد: حال ما کتاب خد-اوند را در دست داریم که خود خد-اوند آن را نوشته و به ما داده است، پس چرا این کتاب را در گوشه‌ای از خانه گذاشته و هیچکس سعی نمی‌کند این کتاب را بیاموزد و بفهمد؟

افراد بسیاری هر هفته پاراشا می‌خوانند و گوش می‌دهند، هم در کنیسا و هم موقع قرائت پاراشا دو بار متن و یک بار ترجمه (بر طبق هلاخا، هر شخص موظف است هر هفته، متن پاراشای آن هفته را به این صورت قرائت نماید: دو بار جمله

قابل توجه خوانندگان گرامی

در مملهای ذیل امکان دریافت نشریه چاپ شده وجود دارد و به هیچ عنوان نماینده‌ای برای جمع‌آوری کمک به نشریه ندارد:

* **یروشالیم:** گنولا، فیابان ملفی ایسرائل شماره ۲۵ فروشگاه آقای فرجیان

* **تل آویو:** فیابان علیا شماره ۲۳، آقای کهن فولادی ۰۵۴-۹۳۷۸۲۸۱ * **کفرسابا:** آقای مروتی کهن تلفن ۰۵۲-۳۵۶۱۵۲۹

* **ناتانیا:** آقای فرهاد تراشندگان تلفن ۰۵۲-۸۶۸۶۸۸۶ * **بیتار:** خانواده آقای نورانی تلفن ۰۵۴-۸۱۴۲۸۹۳۶

* **تارنمای:** [پاراشای هفته ۱](#) [پاراشای هفته ۲](#)